



## «قهرمان» برنده شد

حکم پرونده نقض حقوق مولف در فیلم «قهرمان» ساخته اصغر فرهادی، صادر و ادعای شاکای بی اساس اعلام شد؛ بر این اساس هر هفت متخصص و کارشناس هنری، اتهامات وارد شده به فیلم «قهرمان» را مردود دانستند. مهر ضمن اعلام این خبر براساس متنی که روابط عمومی اصغر فرهادی در اختیار رسانه‌ها قرار داده است نوشت، حکم دادگاه پرونده نقض حقوق مولف در فیلم «قهرمان» براساس نظریات تخصصی سه نفر از اساتید دانشگاه تهران، متخصص و مدرس در رشته حقوق مالکیت فکری، همچنین چهار کارشناس هنری رسمی که به اتفاق ادعاهای شاکای رابی اساس و مردود اعلام کرده بودند، صادر و فیلم «قهرمان» از این اتهامات به طور کامل تبرئه شد. این اتفاق پس از طرح شکایت از سوی هنرجوی سابق اصغر فرهادی (زاده مسیح‌زاده) مبنی بر نقض حقوق مولف در فیلم «قهرمان» و ادعای او برای سهم شدن در تمام درآمدهای داخلی، خارجی و جوایز فیلم «قهرمان»، رخ داد و در نهایت اعلام شد اتهام نقض کپی‌رایت از هیچ زاویه‌ای به فیلم «قهرمان» وارد نیست.



## محاکمه پولانسکی پس از نیم قرن

رومن پولانسکی، فیلمساز برنده اسکار در سال ۲۰۲۵ به اتهام تجاوز به یک نوجوان در سال ۱۹۷۳ با محاکمه مدنی در لس آنجلس روبه‌رو خواهد شد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، گلوپا آرد که پیش از این وکالت قربانیان جفری ایستین و بیل کازبی را برعهده داشته است، در یک کنفرانس مطبوعاتی تأیید کرد که یک قاضی، دادگاه پولانسکی را برای ماه اگوست ۲۰۲۵ تعیین کرده است. پولانسکی ۹۰ ساله، پس از اعتراف به تجاوز جنسی به سامانتا گیمبر ۱۳ ساله در سال ۱۹۷۷، ده‌ها سال است که از ایالات متحده فرار کرده است. کارگردان فیلم «پایانست» و «پچه زرماری» با اتهامات متعددی روبه‌رو شده است. محاکمه لس آنجلس در حالی برگزار می‌شود که پولانسکی در فرانسه به اتهام بدنام کردن یک بازیگر بریتانیایی که ادعای کرد از او سوءاستفاده کرده است، نیز محاکمه می‌شود.



## جبری شایعه استغفای خود را تکذیب کرد

پیمان جبری، رئیس سازمان صداوسیما در مورد شایعه استغفایش گفت: «این شایعات زیاد مطرح می‌شود و من تکذیب می‌کنم.» ایرنا ضمن اعلام این خبر نوشت پیمان جبری صبح روز چهارشنبه، ۲۳ اسفندماه در حاشیه جلسه هیئت دولت با اشاره به برکناری معاونت سیاسی سازمان صداوسیما گفت: «آقای خدابخشی استغفا داد و استغفای ایشان پذیرفته شد.» جبری همچنین درباره تخصیص بودجه سال آینده سازمان صداوسیما گفت: «تلاش می‌کنیم بودجه به گونه‌ای به صداوسیما تخصیص داده شود که بتوانیم وظایفی که در برنامه هفتم به عهده این سازمان گذاشته شده را پوشش دهیم، همچنین مجموعه‌های «اسلمان» و «اموسی» را بدون دغدغه پیش ببریم.» او بیان اینکه به نظر می‌رسد سال آینده پرهزینه‌ترین سال صداوسیما از حیث تولید این مجموعه‌ها باشد، ابراز امیدواری کرد مجموعه‌ها در سال آینده نیز با آن چه نظم فعلی خواند پیش بروند.



## کلاهی که چین سر آمریکا گذاشت

## اهمیت مظلوم‌نمایی، تواضع‌پیشگی و لبخند در شکست دشمنان

تسلیم‌خانی و نظامی. برعکس چینی‌ها متوجه شدند که بهتر است به جای مقابله علنی با آمریکا، مناسبات میان چین و ابرقدرت جهان را به نحوی تنظیم کنند که نه تنها آمریکایی‌ها از حضور و بروز چین احساس ترس نکنند، بلکه حتی در کمک به آنها برای پیوستن به مناسبات جهانی پیش قدم شوند.

پیلزبری اعتراف می‌کند که خود نیز زمانی از مشوقان گسترش روابط چین و آمریکا بوده است؛ یکی از جمله کسانی که فکر می‌کردند که اگر چین وارد مناسبات اقتصاد جهانی بشود و در تولید ثروت و رفاه برای چینی‌ها و گسترش طبقه متوسط و سرمایه‌دار موفقیتی کسب کند، آن‌گاه دیگر راه دوری تا استقرار فرهنگ تکثرگرا و حکومت دموکراتیک نخواهد داشت. او اما اینک حس یک فریب‌خورده را دارد و با کنکاش بیشتر در فرهنگ چین باستان به این نتیجه رسیده است که چینی‌ها کلاه گشادی سر جهان غرب گذاشته‌اند؛ کلاهی که گویا روش گذاشتن آن را از اجدادشان آموخته‌اند و بدین ترتیب یاد گرفته‌اند که به شکلی متفاوت از آنچه برای مثال آمریکایی‌ها می‌جنگند، بجنگند و به جای اینکه رک و راست آمل و آرزوهای شان را برملا کنند، با انهایی که از قضا یکی از ویژگی‌های زبان چینی هم هست، «خود را درست مقابل دید دیگران پنهان کنند» و حتی گاهی با ابراز ضعف و نیاز، آمریکایی‌ها را به لزوم کمک به خود ترغیب کنند؛ به نحوی که در طول نیم‌قرن اخیر گروه‌های مهمی از استراتژیست‌ها، روشن‌فکران و پژوهشگران غربی متفق‌القول بر آن بوده‌اند که همکاری با چین از مقابله با آن ضرورت بیشتری دارد.

## تحلیل با فرض‌های غلط

پیلزبری فرض‌های اشتباه این گروه از صاحب‌نظران در چند دهه اخیر را در چند محور خلاصه می‌کند:

- ۱- تعامل موجب همکاری همه‌جانبه می‌شود. ۲- چین در مسیر دموکراسی گام بر می‌دارد. ۳- چین مثل یک گل ظریف و شکننده است و سقوط آن دور از ذهن نیست. ۴- چین می‌خواهد مثل ما باشد و هست. ۵- شاهین‌های چینی یا همان سیاستمداران تندرو و ناسیونالیست گروهی ضعیف در هیئت حاکمه چین هستند. از نظر پیلزبری اما ماجرا اینگونه نیست و بسیاری از این فرض‌های برساخته محققان غربی، نتیجه بازی پیچیده‌ای است که چینی‌ها برای همراه کردن ذهن غربی‌ها طراحی کردند و با تزریق اطلاعات غلط و تحلیل‌های واژگونه در رسانه‌ها و اندیشکده‌ها، باعث شدند گاهی چین چونان «قربانی در مانده امپریالیسم غرب» بازنمایی شود که بهتر است

## معرفی کتاب

## کتاب ماراتن صدساله

نویسنده: مایکل پیلزبری  
مترجم: سیامک دل‌آرا،  
اعظم ورشوچی فرد  
انتشارات: کتاب پارسه  
قیمت: ۳۵۵ هزار تومان



اراده خود به دیگران برنخواهد آمد. چین به دنبال ایجاد قلمرو نفوذ نخواهد بود و در هیچ جنگی چه سرد و چه گرم، شرکت نخواهد کرد.»

## خیزش چین صلح‌آمیز نخواهد بود

مایکل پیلزبری، نویسنده کتاب «ماراتن صدساله» (۲۰۱۵) و مدیر «مرکز راهبرد چین» در موسسه هادسون، اما به کلی با اینکه کسی با استناد به لحن ملایم و مسالمت‌جویانه رهبران چین بخواد ثابت کند که چین نه تهدیدی برای آمریکا است و نه قصدی برای ابرقدرتی در ذهن رهبران آن می‌گذرد، مخالف است و در اثر خود که مشتمل بر ۱۱ فصل است، می‌کوشد نشان بدهد چگونه چینی‌ها در نهایت زیرکی، فریبی بزرگ به خورد جهان آزاد و آمریکا داده‌اند مبنی بر اینکه «خیزش چین صلح‌آمیز خواهد بود و به قیمت افول دیگران تمام نخواهد شد». از نظر پیلزبری از قضا، «چینی‌ها به راهبردی ایمان دارند که اساساً چنین موضوعی را نفی می‌کند» و این یعنی اینکه آن‌طور که پیلزبری مدعی است، هدف رهبران چین این است که در ۱۰۰ سالگی انقلاب ۱۹۴۹، با کنار زدن آمریکا، به قدرت اول جهان بدل شوند. با این همه، آنچه از نظر پیلزبری برگ، برنده چینی‌ها در این رقابت حیاتی است، سکوت عامدانه آنها درباره این هدف و حتی گاه اعلام صریح بی‌رغبتی‌شان به آن است. به نظر پیلزبری، چینی‌ها از زمانی به بعد به خصوص پس از آن تندروی‌های دوران مائو به این نتیجه رسیدند که راه مقابله و شکست‌هزونی آمریکا، آن بیراهه‌ای نیست که برای مثال شوروی‌ها به دنبالش رفتند؛ سردادن شعارهایی ایدئولوژیک و افتادن در دام رقابت‌های



## فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

مدت‌هاست پرسشی که جوزف نای، نظریه‌پرداز مشهور روابط بین‌الملل در سال ۲۰۱۵ میلادی در کتاب خود به آن پرداخت، ذهن همه را درگیر کرده است: «آیا قرن آمریکا به پایان رسیده است؟» پاسخ نای بدین پرسش البته چندان مثبت نیست، اما به هر روی دیگرانی هستند که هم به کاهش قدرت آمریکا اعتقاد دارند و هم معتقدند آن قدرتی که در دهه‌های آتی می‌تواند تهدید جدی در جایگزینی آمریکا باشد، چین خواهد بود. البریج کولبی، جان میرشایمر و گراهام الیسون از جمله این افراد هستند. از نظر بسیاری دیگر این نزاع حتی همین امروز نیز شروع شده است و آنچه در اوکراین و غزه می‌گذرد، فقط نشانه‌هایی از بروز آن است. برخی هم مشغول شدن آمریکا به روسیه در میدان اوکراین را خطایی راهبردی و منتج به غفلت از چین می‌دانند. در مقابل این گروه بدبین، برخی دیگر از پژوهشگران با اوج قدرت چین را وضعیت فعلی آن قلمداد می‌کنند و می‌گویند، باید منتظر نزول سرزمین ازدهای سرخ در مناسبات جهانی بود یا بر آنند که بزرگ‌نمایی درباره خطر چین هم با شواهد همخوانی ندارد و هم می‌تواند روابط آمریکا و چین را در دور باطلی از بدبینی متقابل بیندازد که نتیجه آن برای هر دو قدرت، چیزی جز ضرر نیست. احتمالاً یکی از شواهدی که طرفداران ایده اخیر می‌توانند بدان استناد کنند، جدا از مناسبات اقتصادی و تجاری ویژه دو کشور، سخنرانی فروتنانه‌ای باشد که چند ماه پیش رئیس‌جمهور چین در سفر به ایالات متحده و در دیدار با جو بایدن بر زبان راند: «ما بزرگ‌ترین کشور در حال توسعه جهان و ایالات متحده بزرگ‌ترین کشور توسعه‌یافته جهان است. ما باید در کنار هم باشیم. چین آماده است که شریک و دوست ایالات متحده باشد. اصول اساسی ما در اداره روابطمان با ایالات متحده عبارت است از احترام متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برد-برد. ما هرگز علیه ایالات متحده شرط‌بندی نکرده و در امور داخلی او دخالت نمی‌کنیم. چین هرگز قصد چالش و از پای انداختن آمریکا را نخواهد داشت و بالعکس از آمریکای مطمئن، باز، روبه رشد و خوشبخت خوشحال خواهد شد. همین‌طور هم ایالات متحده نباید علیه چین شرط‌بندی یا در امور داخلی چین دخالت کند. چین به هر سطح از توسعه برسد هرگز به دنبال هژمونی و گسترش سلطه نخواهد بود و هرگز درصد تحمیل